



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
صلاوة
وسلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



مَقَامِ مُؤْمِنَانِ
دَرِ كَلَامِ امیرِ مُؤْمِنَانِ
(علیہ السلام)

مکتبۃ المدینہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقام مومنان در کلام امیر مومنان علیه السلام: 110 ویژگی مومنان در 40 حدیث علوی

نویسنده:

سید مهدی طباطبایی

ناشر چاپی:

نقش نگین

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	مقام مومنان در کلام امیر مومنان علیه السلام : ۱۱۰ ویژگی مومنان در ۴۰ حدیث علوی
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست موضوعی
۲۶	مقدمه
۲۸	درس اول
۲۹	درس دوم
۳۰	درس سوم
۳۱	درس چهارم
۳۳	درس پنجم
۳۵	درس ششم
۳۷	درس هفتم
۳۹	درس هشتم
۴۰	درس نهم
۴۳	درس دهم
۴۳	درس یازدهم
۴۴	درس دوازدهم
۴۶	درس سیزدهم
۴۸	درس چهاردهم
۵۰	درس پانزدهم
۵۳	درس هفدهم
۵۴	درس هجدهم
۵۶	درس نوزدهم
۵۷	درس بیستم

۵۹	درس بیست و یکم
۶۱	درس بیست و دوم
۶۳	درس بیست و سوم
۶۶	درس بیست و پنجم
۶۸	درس بیست و ششم
۶۹	درس بیست و هفتم
۷۰	درس بیست و هشتم
۷۲	درس بیست و نهم
۷۴	درس سی ام
۷۵	درس سی و یکم
۸۰	درس سی و چهارم
۸۱	درس سی و پنجم
۸۲	درس سی و ششم
۸۳	درس سی و هفتم
۸۴	درس سی و هشتم
۸۵	درس سی و نهم
۸۶	درس چهلم
۸۹	درباره مرکز

مقام مومنان در کلام امیر مومنان علیه السلام : 110 ویژگی مومنان در 40 حدیث علوی

مشخصات کتاب

سرشناسه: طباطبائی، سیدمهدی، 1330 -

عنوان و نام پدیدآور: مقام مومنان در کلام امیر مومنان علیه السلام: 110 ویژگی مومنان در 40 حدیث علوی/ سیدمهدی طباطبائی.

مشخصات نشر: اصفهان: نقش نگین: کهن دژ، 1397.

مشخصات ظاهری: 74 ص.؛ 21/5×14/5 س م.

شابک: 75000 ریال: 6-208-329-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا (چاپ دوم)

یادداشت: این کتاب در سال های 1397-1398 تجدید چاپ شده است.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: 110 ویژگی مومنان در 40 حدیث علوی.

عنوان گسترده: صدوده ویژگی مومنان در 40 حدیث علوی.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق. -- دیدگاه درباره مومنان

موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 -- Views on believers

موضوع: ایمان (اسلام)

(Faith (Islam

رده بندی کنگره: BP39/09/م 8 ط 2 1397

رده بندی دیویی: 297/9516

شماره کتابشناسی ملی: 5293386

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فاپا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 2

مقام مومنان در کلام امیر مومنان علیه السلام

110 ویژگی مومنان در 40 حدیث علوی

سید مهدی طباطبائی.

ص: 3

حضرت امام علی ابن ابیطالب علیه السلام را به عنوان رهبر، مقتدا ... 15 ... 1

دارای برترین عقل هستند ... 31-61 ... 1

انسانیت آنها به عقل و ایمان آنهاست ... 17 ... 1

زیرک و هوشمند هستند ... 18 ... 2

از راه حق منحرف نمیشوند ... 19 ... 3

از کسی کینه به دل نمیگیرند ... 19 ... 3

مردم به احسان آنها امیدوارند ... 20 ... 4

از آنها شری به مردم نمیرسد ... 20 ... 4

آسان گیرند ... 22 ... 5

نرم خو هستند ... 22 ... 5

مورد اعتماد مردمند ... 22 ... 5

در کارها کم لغزشند ... 24 ... 6

پرکار و تلاشگرند ... 24 ... 6

برای آنها کار بزرگترین تفریح است ... 24 ... 6

بیدار و هوشیارند ... 26 ... 7

چشم به راه دو حسنه میباشندز نیکی دنیا ورستگاری آخرت ... 26 ... 7

راستگو و صادقند ... 27 ... 8

محسن و بخشنده اند ... 27 ... 8

لذت ناپایدار دنیا را به خاطر لذت پایدار آخرت ترک میکند ... 27 ... 8

روش آنها میانه روی است ... 28 ... 9

سنت و شیوه آنها ترقی و پیشرفت است ... 28 ... 9

پاکدامند ... 29 ... 10

اهل قناعت هستند ... 29 ... 10

ص: 5

خویشتن دار هستند ... 30 ... 10

اهل ورع و تقوی هستند ... 30 ... 10

در توانگری پاک دامنند و خویشتن دار از زخارف دنیا ... 31 ... 11

باحیا و شرمنا کنند ... 31 ... 11

از خلق خدا بی نیازند (ابراز احتیاج به خلق نمیکند)

دارای مرتب یقین هستند ... 33-43 ... 19-13

در فراخی زندگی شاکر و سپاسگذارند ... 32 ... 12

در گرفتاریها صبور و شکیبیا هستند ... 32 ... 12

در خوشی و راحتی بیمناکند ... 33 ... 13

دنیا برای آنها چون زندان است ... 35 ... 14

مرگ (لقاء الله برای آنها ره آورد ... 35-37-54-58 ... 14-15-26-29

بهشت منزلگاه آنهاست ... 35-54 ... 14-26

مرگ آغاز آسودگی آنهاست ... 35 ... 14

از رستگاری آنها فرشتگان تعجب میکنند ... 37 ... 15

مرگ برای آنها سودمند است ... 37 ... 15

شکفتگی (شادی) آنها در چهره شان است ... 37 ... 15

اندوه آنها در دلشان است ... 37 ... 16

دل آنها گنجایش هر چیز بزرگی را دارد ... 38 ... 16

نفس خود را از هر چیز خوارتر می دانند ... 38 ... 16

بلند مرتبگی را خوش ندارند ... 38 ... 16

اسم و آوازه و خودنمائی را دشمن دارند ... 38 ... 16

اندوه آنها طولانی است ... 38 ... 16

همت آنها بلند است ... 38 ... 16

خموشی آنها بسیار است ... 38 ... 16

از لحظه لحظه عمر بهره میبرند ... 38 ... 16

ژرف اندیشیند ... 38 ... 16

در پیوند دوستی محتاط و دقیق هستند

خوش برخوردند

جانشان در دینداری از سنگ خارا سخت تر است.

در برابر خدا و مؤمنان خود را برده می‌شمارند.

به دلیل ایمانشان ایمن هستند

ص: 6

ساعتی از شبانه روز را برای مناجات با خدا اختصاص میدهند ... 41 ... 18

ساعتی را برای حسابرسی از کارهای خود اختصاص میدهند ... 41 ... 18

ساعتی را برای بهره از لذتهای حلال خود را آزاد میگذارند ... 41 ... 18

آرزوهای آنها کوتاه است. (آرزوی بلند پروازانه ندارند). ... 43 ... 19

در عمل اخلاص دارند ... 43 ... 19

فرصتها را غنیمت می شمارند ... 44 ... 20

چون میوه نارنج طعم و مزه و بویشان لذیذ و گوارا است ... 46 ... 21

طوری عمل میکنند که مردم به سوی آنها می آیند ... 46 ... 21

مردم از همجواری آنها لذت می برند ... 46 ... 21

حسود نیستند ... 48 ... 22

به شدت پروا دارند که خوراک و پوشاک آنها ... 49 ... 23

حساسیت دارند که مال حرام برای ارتزاق ... 49 ... 23

شریف و عزتمند هستند ... 50 ... 24

بزرگوار و مورد اعتماد خویش هستند ... 50 ... 24

نسبت به قبولی اعمالشان اندوهگین هستند ... 50 ... 24

کار و تعهد خود را به تأخیر نمی اندازند ... 52 ... 25

اراده قوی و پایدار دارند ... 52 ... 25

سکوت ممتد دارند ... 52 ... 25

خاموشند تا آنها را به سخن گفتن وادار کنند ... 52 ... 25

پائین مجلس میشینند تا آنها را به بالای مجلس دعوت کنند ... 52 ... 25

دنیا میدان تمرین و مشق آنهاست ... 54 ... 26

بهشت جایزه اعمال آنهاست ... 54 ... 26

اهل تأمل و تدبیرند و از حوادث روزگار عبرت می گیرند ... 56 ... 28

در حال سکوت میاندیشند ... 56 ... 28

در حال سخن گفتن خدا را در نظر دارند ... 56

اگر چیزی به آنها عطا شود سپاسگزارند ... 56 ... 28

پیروزی را با صبوری و شکیبایی به دست میآورند ... 56 ... 28

سکوتشان نشانه وقار آنهاست ... 56 ... 28

پند پذیرند و گوش به موعظه دارند ... 43 ... 29

متذکر مبدأ و معاد و حساب و کتاب هستند ... 58 ... 29

اگر به آنها ستمی شود در گذرنند ... 58 ... 29

ص: 7

اگر آنها را از (قیامت) بیم دهند بیمناک گردند ... 58 ... 29

پیوند کنند با کسی که از آنها بریده است ... 58 ... 29

عطا کنند به کسی که آنها را محروم کرده است ... 58 ... 29

بدی اشخاص را با نیکی برابری کنند ... 65 ... 33

با پندگیری از دیگران زمینه رشد خود را فراهم می کنند ... 58 ... 29

امین خودند و به صحت رفتار خود اطمینان دارند ... 60 ... 30

بر هوا و هوس خود چیره و غالب می شوند ... 60 ... 30

واجبات الهی را با دقت و حساسیت عمل میکنند ... 60 ... 30

دوست صمیمی آنها عقل آنهاست ... 61 ... 31

علم و دانش وزیر آنهاست ... 61 ... 31

صبر و شکیبائی فرمانده لشکر آنهاست ... 61 ... 31

عمل آنها تعیین کننده راه و روش آنهاست ... 63 ... 32

خلوص عمل طریق حق آنهاست ... 43 ... 19

با ابراز دنیوی از دین خود حمایت میکنند ... 65-63 ... 33-32

نسبت به زخارف دنیا زهد دارند ... 65-63 ... 33-32

به رهائی و رستگاری خود دست پیدا کرده اند

از اینکه عهد ایمانی خود را بشکنند شرم دارد.

همه اعمال آنها برای رضای خداوند است ... 68-19 ... 36

از گناهان بشدت پرهیز دارند ... 68 ... 36

نفس خود را متهم میکنند ... 69 ... 37

مشتاق آخرتند و بسوی خداوند شتابان ... 68 ... 36

غذای سیر نمیخورد در حالی که برادرشان گرسنه است ... 70 ... 38

در دوستی با برادران دینی در راه خدا پایدارند ... 70 ... 38

زیاد میبخشد ولی کم درخواست میکند ... 67-68 ... 35-36

ص: 8

خداوند بحق امیر مؤمنان علیه السلام :

1. ما را از مؤمنان واقعی قرار بدهد
2. صفات مؤمنان را به ما هم عنایت فرماید.
3. در دنیا و آخرت بین ما و امیر مؤمنان جدائی میندازد.
4. هدایت دنیوی و شفاعت اخروی امیر مؤمنان علیه السلام را نصیب ما بفرماید .
5. جامعه ما را جامعه علوی در تمام شئون فردی و اجتماعی قرار بدهد.

آمین یا رب العالمین

بنده گنهکار سید مهدی طباطبائی

ص: 9

تقدیم به پیشگاه مقدس انسان کامل، عالم عامل

یگانه آفرینش

امام علی بن ابیطالب (علیه آلاف التحیه والسلام) که خود فرمود؛

خداوند متعال نبأ ای (خبر و معجزه ای) بزرگتر از من ندارد. و باز به صحابی بزرگوار خود فرمود: ای کمیل! هیچ عملی نیست مگر اینکه من آن را آغاز کرده ام و هیچ سَرّی نیست مگر آنکه حضرت مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آن را به پایان میرساند.

مقدمه کتاب ارزشمند القطره (2 جلدی)

از آیت الله علامه مستنبط تبریزی - جلد 1 صفحه 20

ص: 10

پیامبر اعظم اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم :

هرکس دوست دارد؛

- زندگی او شبیه زندگی انبیاء باشد

- مردنش همانند مردن شهدا باشد

- در بهشتی که خداوند مهربان آن را بنا نهاده ساکن گردد

باید ولایت حضرت علی علیه السلام و اولیای او را پذیرفته و به امامان بعد از آن حضرت اقتدا کند .

آنها عترت من هستند و از طینت من آفریده شده اند.

بار پروردگارا فهم و علم مرا به آنها روزی کن .

و آنگاه فرمود:

وای برکسی که با آنها (اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) مخالفت کند، خداوندا؛ آنها را از شفاعت من برخوردار مفرما

القطره جلد 1 صفحه 14

ص: 11

گاهی هزار صفحه توصیف نارساست *** گاهی تهی کتاب ز معنا و محتواست
گاهی هزار نسخه و داروست بی اثر *** گاهی نظر کند چو حکیمی، همان دواست
گاهی هزار گل نرساند صفا به باغ *** گاهی به غنچه ای همه باغ دلگشاست
گاهی روان ز ابر شود سیل بی حساب *** گاهی به قطره ای صدفی گنج پُربهاست
خواهی به نسخه ای همه درد شود دوا *** خواهی طبابتی که مُبرّا ز هر خطاست
خواهی نصیحتی که سعادت دهد تو را *** خواهی شراب ناب که از چشمه بقاست
خواهی گلی که جان تو را گلستان کند *** خواهی سخن که فطرت پاک تو را سزاست
خواهی شود وجود تو عاری از هر خطا *** خواهی رسد مقام تو آنجا کز اولیاست
رو کن به گنج پُرگهر مرتضی علی علیه السلام *** رو کن که هر گدا، در این خانه پادشاست

روکن به صد امید به نهج البلاغه اش *** روکن به مصحفی که تو را نسخه شفاست
روکن به آن نصایح جان پرورش که گفت *** روکن به سینه ام که در آن علم انبیاست
روکن به خطبه ها و به گفتار و نامه ها *** روکن که رهنمای سعادت همین تو راست
روکن به بحرِ علم علی «مهدیا» به شوق *** روکن که علم او همه از جانب خداست

سید مهدی طباطبائی

«مهدی»

ص: 13

هنگامی که این کلام ربانی و عبارت قدسی (سخنان علی علیه السلام) آید، فصاحت عرب باطل شود، و نسبت سخنان فصیح دیگران با کلام علی علیه السلام نسبت خاک است با زر و سیم ناب و ... و از کجا محتوایی را که (کلام علی علیه السلام) تعبیر می کند سخن غیر او داراست؟

و کجا جاهلیت بلکه صحابه معاصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و این معانی پیچیده آسمانی را می شناسد تا برای آنها تعبیری مهیا سازد...؟

پس ثابت گردید که چنین امور دقیقی (اسرار آفرینش) با چنین عبارات فصیحی جز تنها برای علی علیه السلام حاصل نیامده است!

و سوگند میخورم که چون اندیشمندی در این کلام (علی علیه السلام) تأمل روا دارد، پوستش کنده شود و قلبش به لرزه آید و به عظمت خداوند بزرگ در پندار و خیالش، استشعار یابد و به سوی او (خدا) اشتیاق یابد و شوق بر او غالب شود، و نزدیک باشد که به شوق از خود نگهداری خارج شده و به عشق و اشتیاق (جان) از پیکرش مفارقت کند.

گوشه ای از مطالب ابن ابی الحدید معتزلی در مورد کلام علی علیه السلام شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ترجمه 20 جلدی فارسی - «غلامرضا لایقی»

جلد ششم صفحه 428 چاپ نیستان 1390

ص: 14

به نام خدای علی علیه السلام آفرین

به مخلوق و خالق، بلی آفرین

امام علی می فرماید:

أَنَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَالُ يَعْسُوبُ الْفُجَّارَ (1)

من پیشوای مؤمنان هستم و مال (و منال دنیا) پیشوای تبهکاران است.

توضیح؛

عسل به گواهی آیه شریفه «فیه شفاء للناس» شفا بخش و مرغوبترین و بی ضررترین نوع در میان انواع غذاهای مورد نیاز در زندگی انسانها می باشد. این ویژگی از این جهت است که همه اعضای «کندو» بلا استثناء از هر گونه تخلفی از قواعد «کندو» برای تهیه عسل پرهیز و در متابعت از ملکه «کندو» بی چون و چرا به فعالیت مرسوم در آن جامعه می پردازند.

نام ملکه کندو که خود همه قواعد کندو را به نحو احسن بکار می برد و مراقب دیگر اعضا کند و نیز هست یعسوب (2) می باشد.

ص: 15

1- نهج البلاغه، حکمت 316

2- الیعسوب امیر النحل «المنجد». یعسوب پادشاه زنبوران عسل مهتر زنبوران ملکه زنبوران عسل «فرهنگ دهخدا» یعسوب الدین: لقبی است که شیعیان به حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام دهند: لقب مرتضی علی علیه السلام است زیرا در خلافت آن حضرت تمامی مؤمنین صادق در هر امر تابع و پیرو آنجناب بودند: «فرهنگ آندراج»

سخن امام علی علیه السلام محتوی این مطلب است که برای فراهم کردن یک جامعه (جهانی) رشد یافته که شفافبخش همه آلام باشد، مؤمنین (یعنی پیروان من) بی چون و چرا و یک جهت در اعمال و رفتار خود، از اعمال و دستورات و گفتار من برای یک زندگی پایدار پیروی می کنند. و فجّار به منافع نامشروع و زودگذر دنیوی می اندیشند و برخلاف جهت کلی نظام دینی حرکت می کنند و فقط چشم به مال و مکنّت دنیا دوخته و از چیزی پیروی میکنند که بر ثروت و دارائی و ریاست چند روزه (ناپایدار) آنها بیفزاید.

اما مؤمنان چه مشخصاتی دارند که رهبر و و آقا و مولای آنان، امام علی علیه السلام می باشد که خود تعبیر به «یعیسوب المؤمنین» نموده اند، موضوعی است که انشاء الله در احادیث شریفی که در پی آورده شده مشخص میشود و امید می رود با مطالعه و عمل به آنها، ما نیز از شیعیان و مؤمنین واقعی بشویم و باشیم، زیرا در طریق زندگانی برای رسیدن به رستگاری و آسایش ابدی یک صراط مستقیم پیش پای ما انسانها وجود دارد و آن راه و رسم و روش مولا علی علیه السلام است.

والسلام

سید مهدی طباطبائی

رمضان 1439 / خرداد 1397

ص: 16

الْمُؤْمِنُونَ أَكْبَرُ أَحْلَامًا

مؤمنین دارای برترین عقل هستند. (1)

استفاده از تفکر، تدبّر و تعقل در امور شخصی و اجتماعی و دینی تا آن حد است که امام در کلامی دیگر می فرماید:

الانسانُ بِعَقْلِهِ (2)

مرتبت و شأن انسان به رتبه عقل و فهم او می باشد.

یعنی بزرگی آدمی به عقل اوست. بخش زیادی از ناهنجاریها به این علت است که تصمیمات و اقدامات با تعقل و دوراندیشی صورت نمی گیرد. نتیجه آن هم این است که بسیاری از تصمیمات و وضع قوانین و مقررات پس از مدت کوتاهی، بازنگری و عوض می شود.

در کلمات حضرت علی در نهج البلاغه انبوهی سفارش به تعقل و تدبّر موج می زند.

به قول استاد بزرگوار ما حضرت استاد محمد فولادگر:

نهج البلاغه امام علی علیه السلام «اخلاق است و عقلانیت» «تعقل است و تخلّق به اخلاق انسانیت» همان دو کیمیائی که جامعه امروز ما پیوسته و به شدت به آنها نیازمند است.

امام علیه السلام در کلام دیگری می فرماید:

عقل موهبتی الهی است و خلق (آداب اجتماعی) کسب کردنی است. (3)

ص: 17

1- غرر الحکم، ج 1، ص 128

2- همان، ج 2، 139 ..

3- همان

المؤمنُ كَيْسٌ عاقل (1)

مؤمن زیرک و خردمند است. (2)

مؤمنانی که، در ایمان کاملند *** هوشیار و هوشمند و عاقلند

زیرکی و هوشمند، تجزیه و تحلیل کردن درست در امور اجتماعی، خانوادگی و حتی فردی لازمه یک زندگی موفق و سعادت‌مند است، و مؤمن بایستی «کَیْس» یعنی زیرک باشد.

اما برخی زیرکی را در تبهکاری و بی توجهی به قوانین و مقررات اجتماع و برخورداری از امکانات، اگرچه نامشروع میدانند و به رعایت حقوق عامه مردم و حق الناس و حق بیت المال بی توجهند و این اعمال زشت خود را زرنگی و زیرکی میدانند.

این افراد باید متوجه باشند که دین و زندگی پایدار آخرت خود را به متاع بی ارزش و ناپایدار دنیا میفروشند و قطعاً زیانکار واقعی می باشند.

امام علیه السلام می فرماید:

بزرگترین مردم از نظر خسارت و افسوس در روز قیامت آن مردی است که مالی را از راه غیر طاعت و فرمانبرداری خدا به دست آورده و آن را برای مرد دیگری ارث گذارده و او در راه خدا صرف و هزینه کند، که در این صورت این شخص داخل بهشت شود و آن مرد نخست به دوزخ رود. (3)

درسهای زندگی را از امام بیاموزیم.

ص: 18

1- کَیْس: زیرک، هشیار، زود فهم (المنجد الطلاب)

2- غرر الحکم، ج 1، ص 128

3- غرر الحکم، ج 1، ص 255

المؤمن مُنَزَّةٌ عَنِ الرِّيحِ وَالشَّقَاقِ (1) (2)

مؤمن از انحراف از حق و پراکندگی پاک و منزّه است. (3)

مؤمنان را نیست در دل کینه ها *** هست لبریز از محبت سینه ها

مؤمن از راه حق منحرف نمیشود و از کسی کینه به دل نمی گیرد، و خانه مطهر دل را ارزشمندتر از آن میداند که جایگاه کینه و بدبینی قرار دهد.

حضرت علی علیه السلام در کلام گهربار دیگری میفرماید:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاها لِلْخَيْرِ (4)

به راستی که این دلها ظرف هستند و بهترین آنها دلی است که ظرفیت بیشتری برای خیر و خوبی داشته باشد.

بنابراین چه خوب است که نسبت به افراد پیرامون خود خانواده، اجتماع و ... خوشبین باشیم تا با همدلی و همکاری مشکلات را حل کنیم و به جایی کینه و دشمنی یاد خدا و محبت به خلق در دل خود قرار دهیم.

که باز امام فرموده اند:

منشأ اصلاح، دل، اشتغال آن به یاد خداست. (5)

پندهای امام را جدی بگیریم.

ص: 19

1- الزیغ: منحرف شدن از حق «منجد الطلاب»

2- الشقاق: تفرق و پریشانی «منجد الطلاب»

3- غرر الحکم، ج 1، ص 128

4- غرر، ج 2، ص 321

5- همان

المؤمنون خَيْرَاتُهُمْ مَأْمُولَةٌ وَ شُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ

مؤمنان چنانند که (مردم) به نیکی هایشان امیدوار و از شر و بدی آنها در امان هستند. (1)

میرسد بر خلق، خیر مؤمنان *** مردمان از شر ایشان در امان

در کلام دیگری امام علیه السلام می فرماید:

کار نیک را هر چه میتوانید انجام دهید که بهتر از کار نیک انجام دهنده آن است. (2)

بنابراین فرمایش امام علیه السلام لازم است اعمال ما چنان باشد که افراد به خیر ما امیدوار و از شر ما در امان باشند.

اما، اما متأسفانه از این دستور ایمنی بخش جامعه ما غافل است و رفته رفته بدبینی رو به تزاید و خوشبینی و خوشرفتاری با یکدیگر در جامعه رو به کاستی نهاده و نزاع و شکایت و شلوغی دادگاه های ما نیز به همین جهت است.

به این دُرّ کلام از همان امام همام بیندیشیم.

کسی که درخت نیکی بکارد شیرین ترین میوه را از آن بچیند. (3)

درخت دوستی بنشان که کام دل بار آرد *** نهال دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد

حافظ

بدیهی است، امام خوش بینی بدون قید و شرط را هم توصیه نمی فرمایند.

ص: 20

1- غرر الحکم، ج 1، ص 128

2- همان، ج 1، ص 350.

3- همان، ص 352

در کلامی دیگر می فرماید:

در جامعه ای که اکثریت صادق و رو به صلاح هستند اگر بدبین شوی (به برادر دینی) ظلم کرده ای اما در جامعه ای که اکثریت، عملشان غیر صحیح است اگر بیجا اعتماد کردی

خود را فریب داده ای. (1)

هر روز با یک درس از امام زندگی را آغاز کنیم.

ص: 21

1- نهج البلاغه، حکمت

الْمُؤْمِنُ هَيِّنٌ لِّئِنْ سَهَّلَ مَوْتَهُ

مؤمن آسان گیر، نرم خو و مورد اعتماد مردم است. (1)

مؤمنان سهل اند و نرم و خاکسار *** معتمد در نزد خلق روزگار

مؤمن در جامعه، خانواده، بین دوستان، خویشان و همسایگان و همکاران طوری رفتار می کند که اطرافیان؛

1. به راحتی با وی تماس بگیرند.

2. به خلق خوش و نرم خوئی او خوشبین باشند.

3. افتادگی و خاکساری او برای افراد دلنشین باشد.

4. و با اعتمادی که به وی دارند، راحت حرف دلشان را بزنند.

5. و او را ضمن اینکه محرم اسرار خود میدانند به کمک او در رفع مشکلاتشان امیدوار باشند.

امام در کلام دیگری می فرماید:

امید داشتن مردم به عطا و بخشش تو بهتر است از ترس آنها از عذاب و شکنجه ات. (2)

پندار و گفتار و رفتار مؤمن باید به گونه ای باشد که مردم امید به خیر و خوبی او داشته باشند.

سعی کنیم چنین باشیم که اگر چنین باشیم خودمان چون کار خوبمان نزد مردمان خوب خواهیم بود.

که باز امام علیه السلام فرمودند

ص: 22

1- غرر الحکم، ج 1، ص 128

2- همان، ج 1، ص 457

فَاعِلُ الْخَيْرِ خَيْرٌ مِنْهُ وَفَاعِلُ الشَّرِّ شَرٌّ مِنْهُ (1)

خَيْر از کار خیرش بهتر است و شرور از کار شرش بدتر است

با پیروی از کلام امام در صراط مستقیم قرار گیریم.

ص: 23

1- نهج البلاغه، حکمت 32

الْمُؤْمِنُ قَلِيلٌ الزَّلَّلِ كَثِيرُ الْعَمَلِ

مؤمن کم لغزش و پر عمل است. (1)

مؤمنان کم لغزش اند و پر عمل *** کارشان چون کار زنبور عسل

بدیهی است که رمز موفقیت و پیشرفت هر انسانی عمل کردن و تداوم عمل و عمل بدون لغزش و اشتباه است

جوامع پیشرفته امروز رشد و تعالی خود را در زمینه های علمی و تکنولوژی مدیون همین دو اصل میدانند.

- کار پی گیر

- و کار درست و دقیق

- عالمانه و آگاهانه و بدون لغزش و اشتباه عمل مداوم و پیگیر کردن

شرایط یک کار خیر و مفید هم همین دو اصل است. یعنی عمل با تداوم و آگاهانه و با دقت و استحکام سزاوار توجه است: چرا اعتمادی که به اجناس ساخت مثلاً آلمانی یا ژاپنی داریم، به مشابه آن که ساخت خودمان است نداریم؟ چرا یک شرکت ژاپنی یا آلمانی با بیش از 100 سال سابقه روز بروز اعتماد مردم جهان به آن بیشتر میشود ولی ما محصول کار خودمان را قبول نداریم؟

مشکل را در همین دو کلام امام جستجو کنیم.

اگر مؤمن هستیم و اگر پیرو امام علی علیه السلام هستیم!

بایستی زیاد کار کنیم و بدون لغزش، عالمانه و آگاهانه کار کنیم.

حضرت در کلام دیگری می فرماید:

ص: 24

بزرگترین تقریح کار است. (البته کار ماهرانه و بدون لغزش) و

فرمود: سودمندترین اندوخته ها کارهای شایسته است. (1)

در طوفانهای زندگی با پندهای امام به ساحل آرامش خواهیم رسید.

ص: 25

1- غرر الحکم، ج 2، ص 207.

المؤمنُ يَقْظَانُ يَنْتَظِرُ إِحْدَى الْحَسَنَتَيْنِ

مؤمن بیدار است و چشم به راه یکی از دو حسنه می باشد (نیکی دنیا و نیکی آخرت) (1)

مؤمنان با دیده و دل هوشیار *** بریکی یا دو جهان امیدوار

مؤمن اگر به وظیفه خود عمل کند و خدا و وجدان خویش را در نظر داشته باشد به نتیجه مطلوب خواهد رسید. و اگر با تلاش و چشم بیدار و هوشیار به وظیفه خود خوب عمل کرد و به نتیجه نرسید پاداش اخروی او نزد پروردگار محفوظ است.

به کلام حضرتش بیندیشد.

حضرت می فرماید:

با بصیرت و بیداری و آگاه کار کن و به وظیفه خود عمل نما و منتظر پاداش باش.

قانون الهی این است که موفق گردی و در دنیا و در آخرت نتیجه مطلوب کار خود را ببینی و اگر در دنیا هم به نتیجه دلخواه نرسیدی در آخرت پاداش تلاش خود را خواهی گرفت.

با این دستورالعمل های کاربردی چرا ما در برخی موارد عقب افتاده ایم؟

چاره کار چیست؟

جز پند و اندرز مولا و مقتدا را شنیدن و عمل کردن به آن راه دیگری نیست!؟

با مواظب امام راه روشن خواهد بود.

ص: 26

المؤمن صدوقُ اللسان بدول الاحسان

مؤمن زبانش به جَدّ سخت راستگو و در احسان پر بخشش است. (1)

مؤمنان را صدق باشد در زبان *** بخشش بسیار پیدا و نهان

هیچ پیشرفت و سعادت و رستگاری برای انسان متصور نیست مگر با راست پنداری، راست گوئی و راست پوئی پیشرفتهای بشریت بر اساس صداقت است. ملتی که صداقت نداشته باشد رشد و تعالی نخواهد داشت.

امام بزرگوار می فرماید:

مؤمنی که خواهان سعادت دنیا و آخرت است بایستی در زبان صادق و در بذل و بخشش دست و دل باز باشد.

زبان صدق در گفتار و پندار چه در امور شخصی چه خانوادگی چه در کلام، اجتماعی رمز رستگاری است، با دروغ و دورویی کسی و جامعه ای به جایی نخواهد رسید.

به سخن علی علیه السلام توجه کنیم و با راستی و درستی و احسان و بذل مال و جان و وقت خود در زمینه رشد و تعالی خود و جامعه کوشا باشیم.

در کلام دیگری امام می فرماید:

خوشبخت ترین مردم کسی است که لذت ناپایدار را به خاطر لذت پایدار ترک کند. (2)

خوشبختی را در پندهای امام جستجو کنیم.

ص: 27

1- غرر الحکم، ج 1، ص 128

2- همان، ج 2، ص 405

المؤمن سيرته فصد و سنته الرشد. (1)

روش مؤمن میانه روی و شیوه اش ترقی و پیشرفت است. (2)

مؤمنان را شیوه باشد اقتصاد *** سنت آنان بود رشد و رشاد

با زیاده روی و پشت کردن به قناعت کسی به جایی نمیرسد. اگر در سرگذشت اقوام و ملل پیشرفته و سرنوشت انسانهای موفق مطالعه کنیم بر ما معلوم خواهد شد که آنان با قناعت و میانه روی به اهداف بلند خود رسیده اند. (دقت کنید)

جامعه ای که فقط به فکر خوردن و خفتن است و اندیشه و کوششی برای کار و تولید ندارد قطعاً به رشد و تعالی نخواهد رسید.

بهترین و بزرگترین الگو و روش شیوه و رفتار خود امام میباشد. چه کسی چون علی تولید کرد و چه کسی زیر این آسمان چون ایشان قناعت و صرفه جویی کرد؟

امام در کلام گهربار دیگری می فرماید:

با اسب به دنبال سعادت تاختم، به ایستگاه قناعت که رسیدم پیاده شدم. (3)

ما نیز بایستی با اقتصاد و میانه روی، صرفه جوئی و کم کردن توقع، در تولید ثروت ملی بکوشیم تا به رشد و تعالی دست یابیم. انشاء الله .

نشاط و شادابی زندگی در پرتو کلام امام است.

ص: 28

1- سیره: روش، الرشد: ترقی و پیشرفت (منجد الطلاب).

2- غرر الحکم، ج 1، ص 129

3- .

المؤمن عَفِيفٌ مُّقْتَنِعٌ مُتَنَزِّهٌُ مُتَوَرِّعٌ

مؤمن، پاکدامن، وقانع، خویشتن دار و پارسا است. (1)

مؤمنان باشند قانع بردبار *** پاک دامن، پاک دل، پرهیزگار

امام علیه السلام در کلام گهربار دیگری می فرماید:

العِفَافُ أَشْرَفُ الْأَشْرَافِ

پاکدامنی شریفترین کارهای مردم شریف است. (2)

و در تعریف عفاف می فرماید:

العِفَافُ زَهَادَةٌ

عفاف زهد و بی رغبتی است (3) (همان سبب پاکدامنی)

و باز می فرماید:

پاکدامنی اساس هر خیر و خوبی است. (4)

در مورد قناعت، امام تأکیدات فراوانی دارند از آن جمله می فرماید:

لَا غِنَى إِلَّا بِالْقِنَاعَةِ

بی نیازی و توانگری حاصل نشود مگر به قناعت. (5)

جامعه امروز ما با توجه به تحریم ها و فشارهای اقتصادی دشمن، بیش از هر زمان دیگری محتاج قناعت و میانه روی است، ما برای رسیدن به رشد و تعالی راهی جز تولید بیشتر و مصرف کمتر نداریم!

ص: 29

1- غرر الحکم، ج 1، ص 129

2- همان، ج 2، ص 127

3- همان

4- همان، ج 2، ص 333

و در مورد فرد قانع می فرماید:

لَا أَعَزَّ مِنْ قَانِعٍ

کسی عزیزتر از قانع نیست. (1)

و در مورد پاکدامنی می فرماید:

الْتِّزَاهَةُ مِنَ شَيْمِ النَّفْسِ

دوری از بدی ها شیوهٔ جانهای پاک است. (2)

و دربارهٔ ورع که چهارمین مشخصهٔ مؤمن در این مقام است می فرماید:

الْوَرَعُ ثَمَرَةُ الْعِفَافِ

پارسائی میوهٔ پاکدامنی است (3)

خداوند دل و جان ما را از این کلامهای ناب و گوهرهای ارزشمند روشن گرداند و در اندیشه و عمل ما را ملزم به آنها بگرداند.

راه روشن راه علی علیه السلام است در آن قرار گیریم.

ص: 30

1- همان، ج 2، ص 333

2- همان، ج 2، ص 463

3- همان، ج 2، ص 531

الْمُؤْمِنُ عَفِيفٌ فِي الْغِنَى مُتَنَزِّهٌ عَنِ الدُّنْيَا

مؤمن هنگام توانگری هم پاکدامن و خویشتندار از (زخارف) دنیاست. (1)

مؤمنان پاکند در حال غنی *** خویشان دارند و از دنیا جدا

مؤمنان در فقر و غنی، داری و نداری عفت و پاکدامنی خویش را حفظ می کنند و زخارف دنیا ایشان را فریب نمیدهد. با اینکه خوی آدمی هنگام رفاه و ثروت با غرور و خود بزرگ بینی همراه است.

قرآن کریم می فرماید:

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ (2)

انسان سرکش میشود آنگاه که به دارائی میرسد

مشاهده کنید در سرتاسر کره خاک افراد و دولتهای مستکبر را که چون از نظر مالی و امکانات نظامی قوی ترند چگونه افراد و ملت های ضعیف را تحقیر می کنند و اموالشان را به غارت می برند و منابع آنها را چپاول می کنند.

مؤمن از این رفتار برکنار است و در حال فقر و غنی پاکدامن و منزّه از فریب و خدعه دنیا است.

کلام امام فطرت است با فطرت پاک زندگی کنیم.

ص: 31

1- غرر الحکم، ج 1، ص 129

2- علق، آیه 6 و 7

المؤمن شاكِرٌ في السراءِ صابرٌ في البلاءِ خائفٌ في الرخاءِ

مؤمن در فراخی زندگی سپاسگزار و در بلا و گرفتاری شکمیا و در خوشی و

راحتی زندگی بیمناک است. (1)

مؤمنان در ناز و نعمت شاکرند *** در گرفتاری و سختی صابرند

در رفاه خویشتن بس خائفند *** خوش دل از الطاف حق قادرند

امام در کلام دیگری می فرماید:

«شکر، ترجمان نیت قلبی و زبان درونی انسان است.» (2)

مؤمن برای هر نعمتی باید شاکر باشد هم در قلب و هم بر زبان

در مورد صبر می فرماید:

«صبر اساس و سرِ ایمان است.» (3)

صبر پایه و سرمایه ایمان است یعنی مؤمن در سختی ها صبور است، چون

ایمان قوی دارد.

و درباره ترس از خداوند متعال می فرماید:

«ترس از خدای سبحان جامه و پیراهن عارفان است.» (4)

گویا مؤمن پیوسته ترس از خدا را چون پیراهن در بر دارد این ترس از ذات حق تعالی موجب خواهد شد انسان در رفتارهای فردی و

اجتماعی پیوسته خود را در حضور ببیند و مراقب باشد خطائی از او سر نزنند.

سعادت دنیا و آخرت راه علی علیه السلام است و لا غیر.

ص: 32

1- غرر الحکم، ج 1، ص 126

2- همان، ج 1، ص 567

3- همان، 606

الْمُؤْمِنُ حَيٌّ غَنِيٌّ مَوْقِنٌ تَقِيٌّ (1)

مؤمن شرمناک، بی نیاز از خلق دارای یقین و پرهیزکار است.

مؤمنان باشند با حجب و حیا*** بی نیاز از خلق و محتاج خدا

هم یقین دارند بر لطف اله*** هم به تقوی دور از جرم و گناه

امام علیه السلام در کلام دیگری می فرماید:

ایمان و حیا هر دو به یک ریسمان بسته اند و با یکدیگر هستند، و از هم جدا نمیشوند. (2)

و باز فرمود:

مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ

کسی که شرمش کم باشد پارساییش کم است. (3)

و ایضاً فرمود:

مَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ فَلَا خَيْرَ فِيهِ

کسی که شرم ندارد خیری در او نیست (4)

و در مورد غنی فرمود:

الْغِنَى بِاللَّهِ أَكْبَرُ مِنَ الْغِنَى

توانگری و بی نیازی جستن به خداوند و توکل و اعتماد بر او در کارها بزرگترین توانگری و بی نیازی است. (5)

ص: 33

1- غرر الحکم، ج 1، ص 129

2- همان، ص 312

3- همان، ص 314

4- همان

5- همان، ج 2، ص 259

و نیز فرمود:

کسی که از مردم بی نیازی جوید، خدای سبحان بی نیازش کند. (1)

درباره یقین فرمود:

الْيَقِينُ نُورٌ

یقین نور و روشنائی است (2)

الْيَقِينِ عِمَادُ الْإِيمَانِ

یقین ستون و تکیه گاه ایمان است. (3)

و همچنین فرمود:

یقین میوه زهد دنیا را به بار آورد. (4)

و در موضوع تقوی فرمود:

التَّقْوَى تُعِزُّ

ره آورد تقوی و پرهیزکاری عزت و سربلندی است. (5)

ص: 34

1- همان، ص 261

2- همان، ص 607

3- همان

4- همان

5- همان، ج 2، ص 557

الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَالْمَوْتُ تَحْفَتُهُ وَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ

دنيا زندان مؤمن است و مرگ ره آورد و ارمغان او و بهشت منزلگاه او است. (1)

مؤمنان را این جهان زندان بود *** مرگ هدیه، جنت از آنان بود

امام علیه السلام می فرماید:

السِّجْنُ أَحَدُ الْقَبْرَيْنِ

«زندان یکی از دو گور انسان است.» (2)

یعنی همان گونه که انسان در قبر آزادی ندارد در زندان هم آزادی ندارد و برای روح مؤمن که میخواهد تا بالاترین درجات عالم، بالا رود دنیا همچون زندان است و مرگ به عنوان تحفه و هدیه ای به او داده می شود، تا روح او آزاد شده و به منزلگاهی که خداوند به بندگان شایسته وعده داده است برسد. یعنی همان جنتی که رضای پروردگار و رضای انسان در آن است.

در کلام کوتاه دیگری می فرماید:

الْمَوْتُ مَرِيحٌ

مرگ آسودگی است. (3)

باز فرماید:

برترین تحفه و هدیه برای مؤمن مرگ است. (4)

ص: 35

1- .

2- غرر الحکم، ج 1، ص 508

3- همان، ج 2، ص 433

4- همان، ص 437

ایضاً فرماید:

بهشت پایان کار و محل بازگشت رستگاران (مؤمنان) است. (1)

در آفرینش یک صراط مستقیم بیشتر نیست و آن هم راه علی علیه السلام است

ص: 36

1- همان، ج 1، ص 191

إِذَا إصْعَدَتْ رُوحَ الْمُؤْمِنِ إِلَى السَّمَاءِ تَعَجَّبَتِ الْمَلَائِكَةُ وَقَالَتْ :

عَجَبًا كَيْفَ نَجَا مِنْ دَارٍ فَسَدَ فِيهَا خِيَارُنَا (1)

چون روح مؤمن به آسمان بالا رود فرشتگان متعجب شوند و گویند:

شگفتنا! چگونه نجات یافت از خانه ای که بهترین ما در آن خانه تباه شد.

روح مؤمن چون شود سوی سما *** گفتگو آید ملائک را چرا؟

او چگونه یافت از جائی نجات *** کاندر آن فاسد شدند آخیار ما

رسد آدمی به جائی که بجز خدا نبیند *** بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت

امام علیه السلام در کلام دیگری می فرماید:

هدایت شده آن کس است که اسلامش نیکوست و نجات یافته کسی است که ایمانش راست و درست است. (2)

و باز فرماید:

چه سودمند است مرگ برای کسی که جامه ایمان و تقوی بر قلب خود پوشانده است. (3)

خدا کند در این دو روزه زندگی به گونه ای عمل کنیم که از مرگ هراسی نداشته باشیم و به آینده خود امیدوار و مطمئن باشیم.

با تمسک به کلام علی علیه السلام خوفی از طوفان حوادث نیست .

ص: 37

1- غرر الحکم، ج 1، ص 129

2- غرر الحکم، ج 1، ص 126

3- همان

1. بِشْرِ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِهِ 2. حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ 3. اَوْسَعَ شَيْءٍ صَدْرًا 4. وَأَذَلَّ شَيْءٍ نَفْسًا 5. يَكْرَهُ الرِّفْعَةَ 6. وَيَبْشُرُ السُّمْعَةَ 7. طَوِيلَ غَمِّهِ 8. بَعِيدَ هَمِّهِ 9. كَثِيرَ صَمْتِهِ 10. مَشْغُولَ وَقْتِهِ 11. صَبُورَ شُكُورٍ 12. مَغْمُورَ بِنَفْسِهِ 13. ضَنْبِينَ يُخَلِّتُهُ 14. سَهْلَ الْخَلِيقَةِ 15. لَيْنَ الْعَرِيكَةِ 16. نَفْسُهُ أَصْلَبُ مِنَ الصُّلْدِ 17. وَهُوَ أَذَلُّ مِنَ الْعَبْدِ (1)

1. شکفتگی مؤمن در چهره اوست 2. اندوهش در دل است 3. دل او گنجایش هر چیز را هرچه بزرگ باشد دارد 4. از هر چیز خود را خوارتر داند 5. بلند مرتبگی را خوش ندارد 6. اسم و آوازه و خودنمایی را دشمن دارد 7. اندوهش طولانی 8. هم‌تس بلند 9. خموشی او بسیار 10. از لحظه لحظه عمر بهره میبرد 11. بسیار صبور و شکرگذار است 12. ژرف اندیش است 13. در پیوند دوستی محتاط و دقیق است 14. نرم خواست 15. خوش برخورد است 16. جانش در دینداری از سنگ خارا سخت تر است 17. در برابر خدای تعالی و مؤمنان خود را خوارتر از برده می‌شمارد.

شادی مؤمن بود در روی او *** حزن او مخفی، نهان در خوی او

سینه اش از هر صدف پر بارتر *** نفس خود داند ز هر کس خوارتر

خوش ندارد نزد مردم مرتبت *** یا بلند آوازه گردد بی جهت

حزن و اندوهش درون سینه اند *** گرچه دارد هم‌تی دور و بلند

باخموشی حرف بنهاده کنار *** یکسره هم‌ش بود تولید و کار

صابر و شاکر به درگاه خدا *** بر رضای حق به هر حالت رضا

ص: 38

در بر مخلوق و ذات کردگار *** از کرامت خویش را بشمرده خوار

با علی علیه السلام همراه بودن همیشه در راه حق بودن است.

ص: 39

مَنْ آمَنَ آمِنَ

هرکس ایمان آورد (با ایمان شد) ایمنی یافت (1) (از عذاب الهی)

هر که ایمان آورد در زندگی *** ایمنی مییابد و پابندگی

امام علیه السلام درباره امنیت می فرماید:

کسی که ایمن گرداند ترسناکی را از آنچه میترسد، خدای سبحان او را از عقاب خود در امان دارد. (2)

و باز می فرماید:

چه بسیار شخصی که در امان است ولی ترسان و بیمناک است. (3)

و ایضاً فرماید:

نعمتی گواراتر از امنیت نیست. (4)

خوشا بر احوال مؤمنانی که به سبب ایمان کامل، خود را از عذاب آخرت در امان نگهداشته اند.

امنیت و آسایش واقعی در پرتو کلام امام خواهد بود.

ص: 40

1- غرر الحکم، ج 1، ص 130

2- همان، ج 1، ص 133

3- همان

4- همان

لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ: سَاعَةٌ يُنَاحِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ لَذَّتِهَا فِيمَ يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ

برای مؤمن سه ساعت است؛ ساعتی که در آن به مناجات با پروردگارش می گذراند و ساعتی که در آن از نفس خویش حسابرسی میکند، و ساعتی که خود را در لذت‌های حلال و جمیل آزاد میگذارد. (1)

وقت مؤمن سه بود در روز و شب *** ساعتی بهر عبادت با ادب

ساعتی بهر حساب نفس خویش *** ز آنچه بهر آخرت دارد ز پیش

ساعت سوم به اذن ذوالجلال *** بهره برداری ز لذات حلال

در کلامی دیگر فرماید:

ملاك النجاة لُزُومُ الايمانِ وَصِدْقِ الايقانِ

ملاک رستگاری ملازم بودن با ایمان و راستی یقین (به مبدأ و معاد) است. (2)

و باز فرماید:

حسابرسی کنید از نفس خویش پیش از آنکه دیگران و در جای دیگر) به حساب آن برسند و وضع آن را بسنجید پیش از آنکه دیگران بسنجند. (3)

و در جای دیگر فرمود:

به یاد آر، با هر لذتی زوال (و ناپایداری) آن را و با هر نعمتی انتقال (و جابجا شدن) آن را و با هر بلا و گرفتاری برطرف شدن آن را

ص: 41

1- غرر الحکم، ج 1، ص 131، ح 18/825

2- همان، ج 2، ص 461

3- همان، ج 2، ص 504

که این کار برای دوام نعمت پایدارتر و برای دفع شهوت مؤثرتر. برای برطرف کردن شادی های بی جا بهتر و برای گشایش کار نزدیکتر و به کشف اندوه و رسیدن به آرمان شایسته تر خواهد بود. (1)

و باز امام فرماید:

غمخواری (برای آخرت) شعار مردمان با ایمان است. (2)

و باز امام در حالی که استفاده از لذتهای حلال را توصیه میکند می فرماید:

خیری نیست در لذتی که پایدار نمی ماند. (3)

کلام الامام، امام الکلام

ص: 42

1- همان، ج 2، ص 405 .

2- همان، ج 1، ص 248

3- همان، ج 2، ص 407

لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثَ عِلَامَاتٍ : الصِّدْقُ وَالْيَقِينُ وَقَصْرُ الْأَمَلِ

مؤمن سه نشانه دارد، راستی، یقین، آرزوی کوتاه (1)

سه نشان باشد برای مؤمنین *** راستی، قصر الأمل، صدقُ الیقین

امام علی علیه السلام می فرماید:

انسان راستگو با راستگویی خویش سه نعمت و فضیلت را به دست می آورد

1. اعتماد نیک مردم را

2. محبت و دوستی مردم را

3. و کرامت خود نزد مردم را (2)

و در مورد یقین فرماید: یقین نور و روشنائی است. (3)

و یقین سرلوحهٔ ایمان است. (4)

و درباره کوتاهی آرزو فرماید:

برترین (مرتبه) دین کوتاه کردن آرزو است.

و برترین عبادت اخلاص عمل است. (5)

از علی آموز اخلاص عمل

ص: 43

1- غرر الحکم، ج 1، ص 131

2- همان، ج 1، ص 642

3- همان، ج 3، ص 607

4- همان

5- همان، ج 1، ص 10

لِلْمُتَّقِي ثَلَاثٌ عِلَامَاتٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ وَقَصْرُ الْأَمَلِ وَاغْتِنَامُ الْمَهَلِ

برای انسان با تقوی سه نشانه است: اخلاص در عمل، کوتاهی آرزو و

غنیمت شمردن فرصتها (1)

متقی را هست اخلاص عمل *** اغتنام فرصت و قصرُ الأمل

امام فرماید:

عبادت خالص و پاک آن است که بنده امیدی نداشته باشد جز به پروردگار خویش و ترس نداشته باشد جز از گناه خود. (2)

در مورد اخلاص در عمل امام می فرماید:

همه عمل انسان تباه و بر باد رفته است جز آنچه را از روی اخلاص انجام داده باشد. (3)

و درباره کوتاهی آرزو فرماید:

پرهیز از آرزوی باطل، چه بسا مردمی که به استقبال روزی رفته اند که آن را به پایان نبرده اند و چه بسا کسی که در آغاز شب مورد غبطه

دیگران بوده ولی در پایان شب (از دنیا رفته و ...) سوگوارانش بر او گریسته اند. (4)

و در غنیمت شمردن فرصت فرماید:

فرصت سریع از دست می رود و به کندی باز می گردد. (5)

ص: 44

1- غرر الحکم، ج 1، ص 131

2- همان، ج 2، ص 69

3- همان، ج 1، ص 326

4- همان، ج 1، ص 102

5- همان، ج 2، ص 273

و باز می فرماید:

درنگ کردن بهتر از شتاب است مگر در فرصت های کار خیرا (1)

با کشتی ولایت به ساحل نجات خواهیم رسید.

ص: 45

1- همان

مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَالْأُتْرُجَةِ طَيِّبٌ طَعْمُهَا وَرِيحُهَا

مؤمن همچون ترنج است که مزه و بویش لذیذ و گوارا است. (1)

مؤمن چو ترنج است که در طعم و طهارت خوش منظر و خوش مزه و خوش بو و خوش آب است.

معمول این است که انسان از مناظر خوش و بوهای خوش و مزه ها و طعم های خوش لذت میبرد و به آنها تمایل دارد و بهره مندی از آنها را خوش دارد و برعکس از زشتیها و بوهای بد و طعمهای تلخ و مسمم کننده متنفر است.

امام علیه السلام می فرماید:

مؤمن باید بنحوی عمل کند که دیگران به سوی او روی آورند و از همجواری او لذت ببرند و به آثار خوب و مفید او امیدوار باشند و علاقه مند باشند با وی دوستی و رفت و آمد کنند.

امام علیه السلام در کلامی دیگر می فرماید:

شایسته ترین مردم برای انس و همدمی آن کسی است که بسیار مهربان و انس گیرنده باشد. (2)

و باز فرماید:

الزَّيْنَةُ بِحُسْنِ الصَّوَابِ لَا بِحُسْنِ الثِّيَابِ

«زینت و زیبایی انسان به نیکوئی راه و روش درست او است نه به نیکویی لباس او.»

ص: 46

1- غرر الحکم، ج 1، ص 131 .

2- همان، ص 136

یعنی مؤمن کسی است که زیبایی عملش مردم را به وجد آورد و به سوی او متمایل کند.

زیبائیهای زندگی را در کلام امام تجربه کنیم.

ص: 47

لا يُلْفَى المؤمن حسوداً ولا حقوداً ولا بخيلاً

یافت نمیشود مؤمنی که حسود یا کینه توز یا بخیل باشد. (1)

آنکس که بخیل و کینه توز است و حسود *** در زمره مؤمنان نتواند بود

امام علیه السلام می فرماید :

آدم حسود همیشه بیمار و آدم بخیل همیشه خوار و ذلیل است. (2)

و در کلامی دیگر فرماید:

کینه خوی حسودان است. (3)

و ایضاً فرماید:

آدم حسود بر قضا و قدر الهی خشمناک است «و این گناهی بزرگ است». (4)

و در کلام دیگر فرماید:

کینه خوی حسودان است. (5)

و ایضاً فرماید:

آدم حسود بر قضا و قدر الهی خشمناک است «و این گناهی بزرگ است». (6)

و بدیهی است که مؤمن واقعی از این صفات مبرا و منزّه است.

بکوشیم تا با علی علیه السلام باشیم تا ز عادات بد جدا باشیم.

ص: 48

1- غرر الحکم، ج 1، ص 131

2- همان، ص 250

3- همان، ص 248

4- همان، ص 249

5- همان، ص 248

لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مُؤْمِنًا حَتَّى لَا يَبَالِيَ بِمَاذَا سَدَّ فَوْرَةَ جُوعِهِ، وَلَا بِأَيِّ ثَوْبِيهِ ائْتَدَلَ

کسی مؤمن شمرده نخواهد شد تا آنگاه که پروا نداشته باشد که با چه خوراکی شدت گرسنگی خود را برطرف کند و کدامیک از دو جامه نو و کهنه خود را در بر کند (خوب و بد نو و کهنه زشت و زیبا نکند) و بیندیشید به حلال و حرام آن. (1)

مؤمن نشوی اگر نداری پروا *** از آنکه خوراک و جامه آید ز کجا؟

امام علیه السلام هشدار میدهند که مؤمن پیوسته بایستی بر حلال و حرام زندگی خود نظارت و حسابرسی کند و مطمئن باشد که لقمه ای که میخورد و لباسی که میپوشد از طریق حلال به دست آمده است و در مصرف و بهره برداری هم دقت کند که درست مصرف شود نه به افراط و تفریط.

امام علیه السلام در کلام دیگری می فرماید:

بر تو باد به ملازمت و غافل نشدن از حلال و نیکوکاری نخست به عیال (و نان خورهای خود) و یاد خدا بودن در هر حال (2)

در اینجا نیز نظر مبارک امام محتوی این است که پیوسته باید با یاد خدا رزق و روزی خانواده ات را از طریق حلال به دست آوری و نیز نیکی به نان خورهای خود، این است که برای آنها مال حرام و شبهناک فراهم نکنی.

پندهای امام چراغ راه هدایت است.

ص: 49

1- غرر الحکم، ج 1، ص 131.

2- همان، ص 290

المؤمن غر کریم مأمون علی نفسه حذر محزون

مؤمن شریف، بزرگوار و مورد اعتماد خویش و پرهیزکار و اندوهگین است. (1)

مؤمن بود شریف و کریم و بزرگوار *** پرهیز کار و معتمد خویش و غمگسار

مؤمن به واسطه ایمان خود شریف و بزرگوار و مورد اعتماد خویش است، زیرا همه اعمال او به واسطه پرهیزکاری (یعنی دوری از هر گناه، و نیز اطاعت کردن از دستورات الهی و دینی) سنجیده و صحیح است و همه اطراف و جوانب هر عملی که انجام میدهد، مطابق شرع و دستورهای الهی است.

و این دقت و ترس از اینکه مبادا عملش خلاف دستورهای دینی و الهی واقع شود او را اندوهگین می دارد.

امام در کلام دیگری میفرماید: باید قلب تو برای خدای سبحان خاشع باشد که هرکس قلبش خاشع بود همه اعضای او خاشع خواهد بود.

(2)

به این کلام گهربار توجه کنید!

امام علیه السلام می فرماید:

برحذر باش از هر عملی که چون از انجام دهنده اش بپرسند شرمگین شود و انکار کند. (3)

ص: 50

1- غرر الحکم، ج 1، ص 131

2- همان، ص 321

3- همان، ص 228

و باز فرماید:

برای کسی که خود را شناخته (مقام و موقعیت خود را) شایسته است که هراس و پشیمانی از او جدا نگردد مبادا که پایش بلغزد. (1)

چشم ما روشن ز الطاف علی است.

ص: 51

1- همان، ص 227

المؤمن قریبٌ امره بعیدٌ هتة کثیر صمته خالص عملة

مؤمن کار خود را به تأخیر نمی اندازد - اراده اش قوی است و پایدار - سکوتش ممتد است و پی دار و عملش خالص است و جانکار. (1)

هر چه باشد مؤمنی پُرکارتر *** میشود پاکی او بسیارتر

هم و غمش صرف عقبی میشود *** هم سکوتش صرف دنیا می شود

مؤمن سریع العمل است، یعنی تنبل نیست همتش بلند یعنی خیراندیش و عاقبت نگر است. سکوتش ممتد یعنی صاحب حوصله است و عملش از هر شائبه بری یعنی فقط برای رضای حق تعالی به هر کاری می پردازد.

امام علیه السلام می فرماید:

خاموش باشی تا اینکه دیگران تو را به سخن آورند، بهتر است از سخن گفتن تو تا دیگران تو را به سکوت وا دارند. (2) (دقت کنید)

کما اینکه فرمود:

شتاب مکن برای نشستن در بالاترین جایگاه مجلس زیرا مجلسی که تو را بدان بالا برند بهتر از مجلسی است که از آن تو را پائین آورند.

(3)

در مورد اخلاص در عمل امام میفرماید، اخلاص، خوی بزرگان مردم است. (4)

ص: 52

1- غرر الحکم، ج 1، ص 132

2- همان، ص 654

3- همان، ص 188

4- همان، ص 325

و اخلاص، عبادت مقربان درگاه الهی است. (1)

با پندهای گهربار علی علیه السلام از پند دگران بی نیازیم.

ص: 53

1- همان

المؤمن، الدنيا مضمارة والعمل همة والموت تحفة والجنة سبقة

برای مؤمن، دنیا میدان تمرین و مشق است و عمل نتیجه اراده قوی و نیرومند و همت او، و مرگ ره آورد و ارمغان زندگی او و بهشت جایزه بزرگ اوست. (1)

بهر مؤمن، درس و مشق است این جهان *** تا کند با همتش کسب جنان

مرگ باشد تحفه و سوغات او *** حق دهد پاداش بر طاعات او

امام علیه السلام در کلام دیگری فرماید:

هان بدانید که امروز روز تمرین و آمادگی و فردا روز مسابقه است.

جایزه برندگان، بهشت و سرانجام عقب ماندگان دوزخ است. (2)

در مورد همت فرماید:

همه همت و تلاش و کوشش خود را در راه رهایی از جایگاه بدبختی و کیفرو نجات از محل عذاب و بلا قرار ده. (3)

و در مورد مرگ فرماید:

الموت مریخ

مرگ آسودگی آورد.

و در مورد بهشت فرماید:

بهشت پاداش فرمان برداران است. (4)

پاداش پیروی از علی اهل بهشت جاوید است.

ص: 54

1- غرر الحکم، ج 1، ص 132.

2- همان، ص 369

3- همان، ص 585

4- همان، ج 1، ص 191

المؤمنُ نَفْسُهُ أَصْلَبُ مِنَ الصَّيْلِ وَهُوَ أَذَلُّ مِنَ الْعَبْدِ

مؤمن جانش از سنگ سخت محکم تر و در همان حال از برده افتاده تر است. (1)

مؤمنان را جان ز خارا سخت تر *** در اطاعت بنده ای خوشبخت تر

امام علیه السلام درباره یار وفادار خود مالک اشتر که از بهترین مؤمنان زمان پیامبر اکرم علیه السلام و امیر مؤمنان علیه السلام بوده می فرماید:

مالک! چه بود مالک؟ به خدا اگر کوه بود، در سرفرازی کوهی بود یگانه و اگر سنگ بود، سنگی بود سخت و محکم، که هیچ رونده ای به اوج قله او نمی رسید و پرواز هر پرنده ای نمی توانست به اوج آن برسد. (2)

در کلامی دیگر فرماید:

مؤمن چون کوه پابرجاست که باد حوادث روزگار او را از جای خود تکان نمیدهد. (3)

از امام صادق علیه السلام هم بشنوید که فرمود:

مؤمن از پاره آهن محکم تر است پاره آهن هرگاه در آتش نهاده شود تغییر میکند اما اگر مؤمن بارها کشته شود در دلش تغییری پدید نمی آید. (4)

در پیروی از نصایح علی علیه السلام تردید به خود راه ندهیم

ص: 55

1- غرر الحکم، ج 1، ص 132

2- نهج البلاغه، حکمت 443

3- ..

4- میزان الحکمه، ج 1، ص 403

الْمُؤْمِنُ إِذَا نَظَرَ اغْتَبَرَ وَ إِذَا سَكَتَ تَفَكَّرَ، وَ إِذَا تَكَلَّمَ ذَكَرَ وَ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ وَ إِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ

مؤمن چون تأمل و تدبیر میکند عبرت می آموزد، و هنگام سکوت می اندیشد، و وقت سخن گفتن خدا را در نظر دارد، و چون مورد عطا واقع شود شکرگزار است و در وقت گرفتاری و ابتلا صبور و بردبار خواهد بود. (1)

مؤمن چون نظر کند بگیرد عبرت *** در حال سکوت خویش دارد فکرت

باید خدا غنچه لب بگشاید *** شکر نعم خدای خود بگذارد

در شدت و سختی اش صبور است صبور *** بر بیش و کم نعم شکور است شکور

امام علیه السلام می فرماید:

مَا أَكْثَرَ الْعَبْرَ وَأَقْلَلَ الْاِعْتِبَارَ

چه بسیار است عوامل عبرت دهنده ولی چه کم اند مردمانی که عبرت گیرند. (2) (چه بسیار است پندها و چه کم است پند گرفتن)

و باز فرماید:

مؤمن با چشم عبرت به دنیا مینگرد و از دنیا به اندازه ضرورت اختیار میکند و سخن (فریبنده) دنیا را به گوش ناخشنودی و دشمنی میشنود. (3)

درباره سکوت فرماید با سکوت بسیار وقار انسان پدیدار میشود. (4)

ص: 56

1- غرر الحکم، ج 1، ص 132 .

2- نهج البلاغه، حکمت 297

3- نهج البلاغه، حکمت 367

4- همان، حکمت 224

درباره ذکر به فرزند دل‌بندشان امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

پسرم به تو سفارش میکنم که ... دلت را با یاد خدا زنده کنی و به ریسمان او چنگ زنی، چه وسیله ای مطمئن تر از رابطه تو با خداست؟

(1)

در مزیت صبور بودن فرمود:

انسان صبور (شکیبا) پیروزی را از دست نمیدهد، اگرچه روزگاری طولانی بر او بگذرد. (2)

کوتاه‌ترین و مطمئن‌ترین راه رسیدن به سعادت راه علی علیه السلام است.

ص: 57

1- نهج البلاغه نامه 31 بند 9

2- همان حکمت 153

الْمُؤْمِنُ إِذَا وَعِظَ از دَجَرَ وَإِذَا حُدِرَ حُدِرَ، وَإِذَا عَتِيَ اعْتَبَرَ وَإِذَا ذُكِرَ ذُكِرَ وَإِذَا ظَلِمَ غَفَرَ

مؤمن چون موعظه شود اندرز پذیرد و چون بیمش دهند بیمناک شود و چون پندش دهند پند گیرد و چون (مبدأ و معاد و معارف دیگر را) به یادش آرند، متذکر شود و چون ستمی به او رسد درگذرد. (1)

فردی از حضرت درخواست کرد وی را موعظه کنند. حضرت فرمودند:

كَفَى بِالْمَوْتِ وَاِعْظَى

کافی است برای انسان که یاد مرگ او را موعظه کند.

(یعنی بداند روزی خواهد رفت و بایستی جوابگوی اعمال و رفتار خود باشد)

امام علیه السلام فرماید:

الْخَوْفُ جَلْبَابُ الْعَارِفِينَ

ترس از خدای سبحان جامه و پیراهن عارفان است. (2)

و باز فرماید:

بزرگترین مردم در علم و دانش کسی است که ترسش از خدای سبحان افزون تر است. (3)

درباره عبرت گرفتن فرمود:

پند گرفتن آدمی را به رشد و راه درست می کشاند. (4)

ص: 58

1- غرر الحکم، ج 1، ص 132

2- همان، ج 1، ص 340

3- همان، ص 341

4- همان، ج 2، ص 71.

و در مورد ذکر فرمود:

الذِّكْرُ مُجَالَسَةُ الْمَحْبُوبِ

ذکر هم نشینی با محبوب است. [\(1\)](#)

و در مورد گذشت از ظلم دیگران به خود فرمود:

خوشحال و فرحناک می سازد مرا مردی که

1. بگذرد از کسی که به او ستم کرده

2. پیوند کند با کسی که از او بریده

3. و عطا کند به کسی که او را محروم ساخته

4. و برابر کند و پاداش دهد بدی را به نیکی و احسان [\(2\)](#)

از علم علی علیه السلام به قدر ظرفیت بردار.

ص: 59

1- همان، ج 1، ص 425

2- همان، ج 2، ص 131.

الْمُؤْمِنُ أَمِينٌ عَلَى نَفْسِهِ مُغَالِبٌ لِهَوَاهُ وَحَسْبُهُ

مؤمن امین خود است (و به صحت رفتار خود اطمینان دارد) بر هوا و هوس و احساس خود چیره و غالب است. (1)

امام فرماید:

طُوبَى لِنَفْسٍ أَذَّتْ إِلَى رَبِّهَا فَرَضَهَا

خوشا به حال کسی که ادا کند امری را که پروردگارش بر او واجب کرده است. (2) (این روش اطمینان بخش و آرامش آور است.)

همچنین خطاب به پیروان خود می فرماید:

آگاه باشید که به طور مسلم ترسناکترین چیزی که از آن بر شما میترسم (دو چیز است) پیروی کردن از هوای نفس و آرزوی طولانی و دور

و دراز. (3)

و باز فرماید:

أَقْوَى النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ

نیرومندترین مردم کسی است که بر هوای نفس خویش چیره شده است. (4)

و باز فرموده است:

پیروزمندترین مردم کسی است که به وسیله علم و دانش خود بر هوای نفس غلبه کند. (5)

با علی علیه السلام سعادت دنیا و آخرت تضمین شده است.

ص: 60

1- همان، ج 1، ص 132.

2- همان، ج 2، ص 529

3- همان، ج 2، ص 591

4- همان

5- همان

العقلُ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ وَالْعِلْمُ وَزِيرُهُ وَالصَّبْرُ أَمِيرُ جُنُودِهِ وَالْعَمَلُ قِيَمُهُ

خرد، دوست صمیمی مؤمن و دانش، وزیر و کمک کارش، و صبر و شکیبائی فرمانده لشکریانش و عمل او تعیین کننده راه و روش و خلوص عمل و طریق بر حق او میباشد. (1)

براستی که چه مفاهیم عمیقی! امام علیه السلام در کوتاه ترین کلمات پربارترین مطالب را درج فرموده است.

هر کسی را دوستی است و دوست صمیمی مؤمن عقل اوست.

همچنین امام می فرماید:

عقل آن شرافت و بزرگواری است که کهنه نشود. (2)

و باز فرمود:

عقل شفا و درمان است. (3)

و نیز درباره علم فرمود: لَا هِدَايَةَ لِمَنْ لَا عِلْمَ لَهُ

راهنمایی و هدایتی ندارد کسی که علم و دانش ندارد. (4)

در مورد صبر فرماید:

صبر می جنگد با حوادث کوبنده و ناگوار

و باز می فرماید:

صبرینی دشمنان را به خاک میمالد (آنها را منکوب میکند)

ص: 61

1- غرر الحکم، ج 1، ص 132

2- همان، ج 2، ص 139

3- همان

4- همان، ج 2، ص 186

درباره عمل فرمود:

به راستی که شما به عمل کردن به آنچه دانسته اید نیازمندتر هستید تا به یاد گرفتن آنچه نمیدانید.

راه روشن راه مولانا علی علیه السلام است .

ص: 62

المؤمنُ مَنْ وَقَى دِينَهُ بِدُنْيَاهِ وَالْفَاجِرُ مَنْ وَقَى دُنْيَاَهُ بِدِينِهِ

مؤمن کسی است که با وسائل دنیوی حمایت میکند از دین خود و فاجر کسی است که دین را برای حفظ امور دنیوی وسیله قرار میدهد. (1)

دین فروشان طالب دنیا *** بهره کی میبرند از این سودا

آنکه دین را خرید و دنیا داد *** هم به دینش رسید و هم دنیا

دین مجموعه قوانین الهی است که هر کس موظف است به آنها عمل کند تا هم در دنیا و هم در آخرت سعادت مند و رستگار گردد، و کسی که خود را مکلف به انجام اوامر و احکام الهی و دینی بداند در برابر فریب کاری دنیا ایستادگی کرده و دین را به دنیا مقدم داشته و برای سعادت ابدی از لذت زودگذر و عاریتی دنیا میگذرد.

اما کم نیستند افرادی که برای مطامع فریبنده دنیا به دستورات دین پشت کرده و فریب دنیای فریبکار را می خورند.

این افراد غالباً ظواهر بی محتوای دین را حفظ می کنند تا بتوانند با نقاب دین به دنیای پست و دون برسند، در حالی که در دل و نهاد خویش خدا ترس و قیامت باور نیستند.

به تعبیر امام این «فاجران» اگر از دین هم دم میزنند برای رسیدن به مطامع دنیاست.

دین برای این افراد تنها یک لقلقه زبان است و در جانشان رسوخ نکرده و تنها پوسته ایست که مغز و محتوا ندارد.

ص: 63

خداوند ما را از اعمال و افکار این گروه دور بدارد

در علم و عمل علی علیه السلام چراغ است چراغ

ص: 64

الْمُؤْمِنُ دَابَّةٌ زَهَادَةٌ، وَهَمُّهُ دِيَانَةٌ، وَعِزَّةٌ قَنَاعَةٌ وَجِدَّةٌ لِآخِرَتِهِ، قَدْ كَثُرَتْ حَسَنَاتُهُ، وَعَلَتْ دَرَجَاتُهُ، وَشَارَفَ خَلَاصَهُ وَنَجَاتَهُ (1)

- روش مؤمن پرهیز از دنیا مداری است

- همه همت او صرف در راه دین می شود

- عزت را در قناعت می یابد

- همه کوشش خود را صرف برای آخرت میکند

- بنابراین - حسنات و کارهای نیکش بسیار

- درجاتش عالی و والاست

- و بر رهایی و رستگار خود (از این جهان) دست پیدا کرده است.

همّت مؤمن رهین دین اوست *** ترک دنیا سنت و آئین اوست

عزت او با قناعت برقرار *** سعی او بهر قیامت پایدار

کار نیکش بهر مردم بی شمار *** حاصلش، او در دو عالم رستگار

مؤمن بیدار دل در هر مقام *** هست بی شک تابع امر امام

زهد در دنیا، همت بلند در دین داری، تلاش برای فراهم کردن زاد و توشه آخرت، اقدام به کار نیک، دست یافتن به درجات عالی انسانیت،

رهائی از فریب و نیرنگ دنیا و اشراف بر رستگاری و سعادت و ...؟ چه موفقیت دل انگیزی (دلخواهی)

به راستی که به راحتی به دست نخواهد آمد مرد میدان میخواهد مرد!

خداوندا! ما را عالم و عامل به این پندها و مواعظ اماممان بفرما. آمین

ابی عنایات علی علیه السلام هیچیم هیچ!

ص: 65

درس سی و چهارم

إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَسْتَحْي إِذَا مَضَى لَهُ عَمَلٌ فِي غَيْرِ مَا عُقِدَ عَلَيْهِ إِيمَانُهُ

به راستی مؤمن حیا میکند هرگاه از او عملی سرزنند که با پیمان ایمانی او بیگانه است. (1)

راستی مؤمن کند شرم و حیا*** ز آنکه ننماید به عهد خود وفا

امام خمینی فرمود:

عالم محضر خداست در محضر خدا معصیت نکنید.

براستی مؤمن باید هر لحظه خود را در حضور خداوند ببیند و حیا کند که گناهی انجام دهد و مرتکب خطا و پیمان شکنی شود.

خدای رحمت کند آیت الله بهجت را که فرمود:

انسان باید کاری کند که اگر از رفتار او فیلم گرفتند و به او نشان دادند خجل و شرمند نشود.

به راستی اگر افراد جامعه در گفتار و رفتار خود خدا را ناظر و حاضر بدانند این همه بی انطباطی، بی عدالتی، تبعیض، رفتارهای ناهنجار، قانون شکنی، عدم رعایت حق الناس نخواهیم داشت.

امروز از مسائل مهم جامعه ما که افراد به ظاهر مؤمن هم رعایت نمیکنند مقررات راهنمایی و رانندگی است. عدم رعایت قوانین ترافیک نوعی پیمان شکنی است و کسی که خود را مؤمن و معتقد میدانند، باید بدانند که بی توجهی به قوانین گناه است گناه؟!

با علی علیه السلام هر کس بود ایمن بود.

ص: 66

أَفْضَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيْمَانًا مَنْ كَانَ لِلَّهِ أَخْذُهُ وَعَطَاءُهُ وَسَخَطُهُ وَرِضَاةُ

برترین مؤمنان در ایمان کسی است که پذیرش، عطا، خشم و رضای او همه برای خدا باشد. (1)

مؤمن آن باشد که در خشم و رضا *** جمله اعمالش بود بهر خدا

بسیاری از خطاها ناشی از حُبِّ نفس است. معمولاً آنجائی که نفس بر چیزی طمع میکند خدا را فراموش کرده و به خواسته هوای نفس عمل می کنیم.

امام در یک کلام نورانی میفرماید:

أَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ تَحْتَ بُرُوقِ الْمَطَامِعِ

بیشترین قربانگاه عقلها آنجائست که طمع ها تالاولو و چیرگی پیدا می کند.

اکثر جاهایی که عقل انسان بر زمین می خورد آنجاست که برق طمع (بر نفس انسان) درخشش پیدا می کند. (2)

خوشا بر احوال آنان که شعارشان این است:

یکی درد و یکی درمان پسندد *** یکی وصل و یکی هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران *** پسندم آنچه را جانان پسندد

با علی علیه السلام هر درد ما، درمان شود.

ص: 67

1- غرر الحکم، ج 1، ص 133.

2- نهج البلاغه، حکمت 219

الْمُؤْمِنُ حَذِيرٌ مِّنْ ذُنُوبِهِ أَبَدًا يَخَافُ الْبَلَاءَ وَ يَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ

مؤمن دائماً از گناہانی که ممکن است دامن گیرش شود پرهیز میکند و میترسد از گرفتاری و تکیه به رحمت پروردگار دارد. (1)

مؤمن زگناه خود هراسان باشد *** بيمش زبلاى بد فراوان باشد

با این همه در نهان و در چهره او *** امید به لطف حق نمایان باشد

امام در کلام دیگری فرماید:

پرهیز از اینکه پروردگارت تو را در جایگاه های اطاعت نیابد یا اینکه تو را در هنگام معصیت و نافرمانی ببیند و بر تو خشم گیرد. (2)

و باز فرماید:

سخت ترین گناهان نزد خدای سبحان، گناهی است که انجام دهنده اش آن را سبک بشمارد. (3)

و در مورد امید به خداوند فرماید:

همه امید خود را به خدای سبحان قرار دهید و جز او به هیچ کس امید نبندید که به راستی کسی نیست که امیدی به غیر خدای متعال داشته

باشد جز آنکه نومید گردد. (4)

فُلْكَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهٖ بَحْرٌ چو آرام ساحل است

ص: 68

1- غرر الحکم، ج 1، ص 133

2- همان، ص 440

3- همان، 449

4- همان، ص 456

الْمُؤْمِنُونَ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَّهَمُونَ وَمِنْ قَارِطٍ زَلَّ لَهُمْ وَجِلُونَ، وَلِلدُّنْيَا عَائِفُونَ وَإِلَى الْآخِرَةِ مُشْتَاقُونَ وَإِلَى الطَّاعَاتِ مُسَارِعُونَ.

مؤمنان نفسهای خویش را متهم سازند و از لغزشهای گذشته خویش بیمناکند و دنیا را ناخوش دارند و به آخرت مشتاقند و به سوی فرمانبرداری پروردگار شتابان هستند. (1)

می زند مؤمن به نفسش اتهام *** هم به لغزش های بی جایش لجام

جمله افعالش بود کار صواب *** میرد امر خدا را با شتاب

مؤمن پیوسته در دو حالت خوف و رجا بسر می برد.

از یک طرف از اعمال خویش ترسان است (که مبادا مورد رضایت پروردگار نباشد) و از طرف دیگر به رحمت پروردگار، امیدوار، دل بستگی به دنیای بی اعتبار و زود گذر ندارد و مشتاق است که به جایگاه ابدی خویش که با لطف پروردگار برای او آماده شده برسد.

با این اندیشه و عمل پیوسته سعی دارد در فرمانبرداری از اوامر الهی با شتاب و خلوص عمل کند. (براستی حال مؤمنان واقعی حال خوشی است.)

امام علیه السلام می فرماید:

تعجيل المعروف مِلاکُ المعروف

ملاک و معیار کار نیک و احسان، تعجیل و شتاب کردن در عمل به آن است. (2)

هر که راه علی علیه السلام جست از خطر جست

ص: 69

1- غرر الحکم، ج 1، ص 134.

2- همان، ج ص 85

لَا يَشْبَعُ الْمُؤْمِنُ وَأَخُوهُ جَانِحٌ

مؤمن غذای سیر نمیخورد در صورتی که برادرش گرسنه باشد. (1)

مؤمن نخورد غذای کافی *** وقتی که برادرش گرسنه است

در مورد برادری چند کلام گهربار از امام ذکر می کنیم.

1. برادران دینی در دوستی پایدارترند. (2)

2. برادران زیورند در فراخی زندگی و پشتوانه ای هستند در گرفتاری (3)

3. برادرانی که برادریشان در راه خدا باشد دوستیشان پایدارتر است (به خاطر پایدار بودن سبب دوستی که خداوند متعال است). (4)

4. برادر تو در راه خدا آن کسی است که تو را به راه راست هدایت کند و از فساد و تباهی باز دارد و در راه اصلاح معاد یاریت دهد. (5)

5. صادق ترین برادرها در دوستی آن برادری است که مواسات و برابری او نسبت به برادرانش در خوشی و سختی بیشتر باشد. (6)

هر که با پند علی بیدار شد *** در همه کار جهان هشیار شد

ص: 70

1- غرر الحکم، ج 1، ص 134.

2- همان، ص 62

3- همان

4- .

5- همان، ص 63

6- همان، ص 65

الْمُؤْمِنُ إِذَا سُئِلَ أَسْعَفَ وَإِذَا سَأَلَ خَفَّفَ

هرگاه از مؤمن چیزی خواسته شود زیاد کمک میکند و چون خود چیزی از کسی بخواهد کم میگیرد. (1)

مؤمن به وقت بخشش برتر بود ز حاتم *** لیکن به گاه خواهش باشد توقعش کم

مؤمن دست بخشنده دارد و با میل و رغبت به دیگران کمک میکند و چون اعتقاد دارد که هر چه با دست کوتاه خود میدهد چندین برابر از دست بلند خداوند دریافت میکند در بخشش و احسان بخل نمی ورزد.

از طرف دیگر اگر درخواست می کند تنها برای رفع احتیاج طلب می کند و هرگز طمع ورزی ندارد. به کم قانع است و اضافه بر ضرورت زندگی نه درخواست می کند و نه ذخیره.

مفهوم این کلام امام برای ما فارسی زبانها شاید این ضرب المثل باشد «که مؤمن تیشه به روی خود نیست»

یعنی مبتلا به این عادت زشت نیست که پیوسته طمع و حرص برای گرفتن داشته باشد، چه به کارش آید و چه ذخیره کند و از آن استفاده نکند.

براستی همین یک جمله امام چه مقدار میتواند جامعه ما را از دغدغه های معیشتی نجات دهد و ما را به رشد و کمال برساند.

با خود بیندیشیم از امامان پیروی کنیم و جامعه ای سالم و صالح بسازیم

ص: 71

المؤمن لا يحيف من يبغض، ولا يأتهم فيمن يحب، وإن بغى عليه صبر حتى يكون لله عز وجل هو المنتصر له

مؤمن به دشمن خود ستم نمیکند و به خاطر دوست خود مرتکب گناه نمی شود، اگر به او ستم شود شکیبائی میورزد تا خداوند عزوجل انتقامش را از دشمن او بگیرد. (1)

مؤمن نکند به دشمن خویش ستم *** ناحق نزند به خاطر دوست قدم

هرگاه به او ستم شود صبر کند *** تا حق بشود برای او صاحب دم

طبیعی است که مؤمن بایستی در مقابل ظلمی که به او میشود دفاع کند و عوامل ظلم و ستم را از خود دور کند و لکن نباید زیاده روی کند و چون بر دشمن غالب شد بر او ستم روا دارد، اگر چه دشمن دشمنی را از حد گذرانده باشد.

در جنگ صفین که معاویه (علیه لعنه) بر امام تحمیل کرد ابتدا آب را بر لشکریان حضرت بست و اعلام کرد یک قطره آب به شما نمی رسانیم، امام علیه السلام با چند جمله کوبنده لشکریان خود را برای حمله تهیج کردند و لشکر معاویه را از کنار آب راندند و به آب دسترسی پیدا کردند و لشکر دشمن از کنار آب دور شد. در این حال اصحاب امام گفتند: مقابله به مثل می کنیم و لشکر معاویه را از آب محروم میکنیم.

امام فرمودند: هرگز! ما آب را بر آنها نمیندیم یک راه باز کنید تا لشکر دشمن هم بتوانند برای خود و احشام و اسبهای خود آب بردارد.

این مفهوم کلام امام علیه السلام است که حتی در مورد سخت ترین دشمنان

ص: 72

خود کوچکترین ستمی روا نمی دارد.

دشمنی که پس از شهادت امام علیه السلام فرمان داد در 70/000 منبر علی علیه السلام را لعن کنند و گفت بقای حکومت بنی امیه برلعن علی علیه السلام است.

کجایند بی خبران از سیره و سنت امام ما که معنا و مفهوم انسانیت، رعایت حقوق بشر و حقوق حیوانات و حتی اشجار و ... را از او درس بگیرند.

افسوس که جهان بلازده و غافل با سردمداران ظالم و پست نمی گذارد توده های مردم با این مفاهیم انسان ساز آشنا شوند و به رشد و تعالی که خداوند برای آنها مقرر فرموده برسند.

افسوس که از کلام مولا دوریم *** ما تشنه لبان ز آب دریا دوریم

ص: 73

ما را به جهان عشرت ایام به کام است

در مجلس ما تا سخن از نهج امام است *** ما را به جهان عشرت ایام به کام است

تا میشنوم پند علی از لب استاد *** پند دگران در نظرم گفته خام است

از مدح علی گوی که در محفل عشاق *** هر قول دگر جز سخن عشق حرام است

هر شبیه که در منزل آن یار در آئیم *** چون صبح وصال است اگر مغرب و شام است

ما دلشدگانیم که در محضر ساقی *** مستیم از آن باده، که پیوسته به جام است

از خُم علی باده بنوشیم پیایی *** تا ساقی و خم هست، مرا شرب مدام است

روشن شود از باده حیدر دل عشاق *** ای دوست بگو بهتر از این باده کدام است؟

در محفل مستان چویکی تازه در آید *** بر مقدم او از همه آمین و سلام است

هر کس که در این جمع شد و باده بنوشید *** دانست چنین باده فقط نزد امام است

اینجا سخن از یاسر و عمار و سمیه است *** اینجا سخن قنبر و مولا و غلام است

اینجا سخن از میثم و عرفان کمیل است *** هم از ادب مالک و تقوای همام است

گفتار علی علیه السلام تالی آیات مبین است *** با اوست که دین کامل و نعمت به تمام است

از مکتب او درس بیاموز و عمل کن *** آن را که عمل نیست سلاحش به نیام است

بر سرچه نهی مصحف و بردل نسپاری *** روشن نکند خانه چراغی که به بام است

«مهدی» به چه سان شکر یکی جرعه توان کرد *** ز آن باده که در جم توده سال تمام است

سید مهدی طباطبائی

«مهدی»

ص: 74

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

